



توقیف جرایم

مجلسی که باسم اصلاح در دست گرفته باید مطلع يك دماغ آزاد - آزاد و غرض شخصی و منافع خصوصی - باشد
سازم از روزیکه فلم در دست و نیم جریده نگار شوم از تمام نهاد و دشمنیهائی که نوره حیات هر افسان اجتماعی بدان مخوف صرف نظر نمودم
روز و فردا تا هر وقتیکه قلم در مات ویک مسئولیت مقدس ولی ی بر عهده ما میباشد ماسی میکنم عواطف شخصی نشده و محکوم آن و ثمناتی که مبداء آن فقط افراد معینی نگردیم
و همچنین در پیش آمدهای اجتماعی تشاقت و تمق را از دست نداده میان صفحات جریده را بنسجاری تخصص دهم یک دولت - جامعه ی بر پا باشد
مینی بر همین تصمیم بوده که بعد از جرایم مذکور و پس از اینکیزه روی در اطراف قضایای مزبوره شد ما که نه نشسته و خویشتن زبون به احسانات نود و محیط خود نگردیم
ولی اینکه بنی بر همان تصمیم و ادای تکلیفیه کهست بهیئت اجتماعی بهیئت وجدان دارا هستیم تا جرایم ارف توقیف جرایم مطالباتی نموده یم بمقامانی که عامل توقیف جرایم میشود بنماییم
و البته مقایسات مزبوره به تفکرات مزاجیه کنند تصدیق خواهند کرد که مدارا برای حفظ حیثیات آنها و جلیله های مدهاته آمیزی است روز و هر ساعت و هر دقیقه از بیاحتساب آنها نثار میشود
...

مجرور شدن عواطف مقدسه، پایمال کردن حیثیات و شلون مردم - مرد مطبوعات آزاد است ولی در بیان کردن حوائج جامعه، در برقریز عقیده اجتماع، در انتقاد از هیئت حاکمه - اشتباه نشود انتقاد يك مفهومی غیر از تعرض و دشنام دارد - در اظهار نظر نسبت بکجیبت اداره - بردن مملکت و خط متی سیاسی دولت
مطبوعات آزاد است ولی برای اینکه مصالح جامعه را از فشار آن تشخیص داده فکر و رای افراد متفکر را در موضوع اصلاحات نشر دهد
روز نامه حق ندارد بشون شخصی افراد تعرضی نماید و اگر هم از نقطه نظر اجتماعی بفردی تعرض میکند البته باید با اسناد و مدارك بوده باشد
روزنامه حق ندارد نقش بدعده حق ندارد تعیبت بزند - حق ندارد بد گوئی کند ولی اگر کرد
باید همانطوری که دنیا شجره کرده و تاریخ و فلسفه اجتماعی بها نشان داده است ازرا اصلاح نموده نه اینکه بنشار و خفته کردن آن مبادرت نمائیم
زیرا نذار همیشه ره اکسیون را فعل خواهد داشت فشارهای کابینه آقای وثوق الدوله درخصوص مطبوعات و بعد از آن ادامه آن فشار با يك طرز ملایم تری در کابینه سابق آقای مشیر الدوله و آقای سیدار اعظم و پس از آن سائور شدید مطبوعات درایم حکومت قاسمیه شیاء الدین منتهی باین شد که پس از سقوط کابینه سید شیاء الدین و رتبع آن فشارها يك مرتبه هرکس - هر طفل بازنده ساله - هر آدم - بی وهر و طخواه حساس و هر متفکر فاضل درصدد جریده نگاری برآمد
فشار ره اکسیون دارد ؟ فشار های مقامی و استبداد مطلق دور
استبداد باعث این شد که پس از اعطای مشروطیت که نسیم آزادی وزیدن گرفت جامعه مانند مریضی که در مواجهه با اندک برودت حالت اعتدال خود را از دست میدهد نتوانست از آزادی استفاده کند و پس از طی شافزده ساله خود هم از آزادی سوء استفاده کرد است و شاید ، بتوانیم در میان تمام اذا خواهان ایران صدقتر پیدا کنیم که سدو آزادی خود و رفیق خود را بکسان ندید و بقدری که آزادی را برای خود بخواهد برای دیگران مطالب است خود نیز تحمل نماید
فشار را کسب داده ؟ مراقت شدید کابینه نوی وثوق الدوله باعث انتشار شب نامه نویسی و مقدمه سخت و ابتذال و وهن مطبوعات گردید

آزادی محدود و محدود آزادی مطبوعات را فقط و فقط قانون میتواند معین کند بدون اینکه هیچگونه منافسی را دربر داشته باشد زیرا قانون مطرد است و شمول آن استثنای پذیر نیست
بدیهی است از آزادی و هر چیز مقدسی بدون حدود و شروط قابل حبه کوله سوء استفاده است و فقط چیزی میتواند ممانعت و عظمت و فوائد آزادی و سایر مقدمات اجتماعی را حفظ نماید قانون است
قانون بازمانده اصلاح و تأدیب است و مجری آن هرکسی که باشد با چشم اجترام و عظمت نگریسته بشود
حکومت نظامی میتواند جرایم را توقیف کند ولی اگر بامر قانون توقیف کرد هیچگونه احساس ناراضایی در اطراف عملیات ایشان نشود نمیکرد
حکومت نظامی میتواند جرایم را توقیف نماید ولی اگر مقاومت يك مجری قانون توقیف جرایم مبادرت نمود احترام و سلطوت او در نظر ملت و افراد متصور جامعه بیشتر است
بعد از اینکه صبحه آزادی در يك قلمری بلندی گردید جز اجرای قانون - قانون عالی که همه افراد محکوم و مطلع آن باشند جاوه نیست
اگر جرایم فاسد شدند ، اگر جنس و دشنام بجای فکر و عقیده در صفحات جرایم دیده میشود ، اگر مطبوعات پای از وظایف سامیه خود بیرون نهاده اند اگر جرایم ما اجنبی پرست شده اند ، اگر جرایم ما مرکز انترله و غرض رانی شخصی گردیده اند بعقدیهما تقصیر بازواریت معارف ، با مجلس شورای و با هیئت حاکمه است ؟
بهیئت های حاکمه - در بازنده ساله مشروطیتی - نخورسته یا نتوانستند اصول استبداد را ترک گفته بجای استبداد فردی استبداد قانونی را معین نمایند
بدینسانه حکومت های دوره مشروطیت نتوانستند کارها را با موازین عقله شنیده و معین کنند قوانین کلی و نورمولهای فانی حاکم قضایا بوده باشند نه بل و اداره شخصی
در نتیجه همین سیاست احساس و صامحه بود که انارش - با وسیع ترین مفاهیم خود - در مطبوعات که جلی ترین مظاهر روحیه ملت است - ظاهر گردید
تقصیر اکبست ؟
آیا با مطبوعات است که قوانین را چه با آنها را موقوف الاجراء نداشته و هر رئیس الوزرائی طعانی احواله سیاسی و یا نظریات پاپی خود يك متنی معنی است با مطبوعات انتقاد کرده

آقای قوام السلطنه

اقدام برای خاتم شدن محاکمه توقیف شد کوس از سه روز متعوب شماراچه مستقما و چه درجرایم معالعه کردیم ۵۰ بابودن هزار عربضه و تظلم نامه که از تاریخ سه ماه قبل درنویاری مجلس اتاده خوش بختانه عریضه شما بدون درنگ در محضر شایسته کان قرائت شد
در خوابت رایع توقیف نامه ما خیلی غریب است
اما نشر اسناد والا یکی که دراین موضوع داریم چنانچه واقعا مایل هستیم میکنی است با قایبان سرشیک زاده و رهنه توصیه کنند که از درج آنها درینج تمایزند و در صورتیکه از درج آنها امتناع نکنند منظر اقدام ما باشد که قویا تمهت جوانان و ملون از توقیف خارج و اسناد و دلایل خود را در معرض افکار طرح خواهند کرد - اما منحصرا - شما امروز بگذر غیر رسمی و از افراد عادی ایران هستند مجلس حق مداخله در مسائل عادی ندارد پس تقاضای تشکیل کمیسیون از نمایندگان قانونی نیست فقط محکمه صلاحیت دار می تواند قضاوت کند و پس عباس خلیلی - مدیر اقدام

نمایش عارف

در شب ۱۳ ماه رجب ساعت هفت بعد از ظهر در کراوات هتل کثرت عارف شروع محل فروش بلیط لامازار نمازه تپائی ناخبریه ، نمازدار و پایبمان و خلعت خلی بازار حجره مدیرالضایع شب نمایش درب گرانند هتل

جرایم فهاپنده اند با استثناء تعرض به برنسب آنها در هر حال و برای اشانه غر چیزی از داد مطلق اعنان بوده باشند
بعقدیه ما تقصیر با انهاقی است که در طی يك مدت بی طولانی قانون مطبوعات را اجرا نکرده و جرایم جریده نگاری را باین حالت مشهوره کشا فبند
حال هم اگر طالب اصلاح مطبوعات هستند باید قانون را قاضی مساله نمائید
اگر قانون ندارید وضع کنید اگر ناقص است تکمیل نمائید تا فقط قانون مسؤل بقا شده و در انتظار خارجه فناء جرایم شناخته این قدر خفیف و موهون نشویم
بدیهی است در اینصورت اظهار خوشنودی در اطراف کثرت محسوس کنده قانون را مرض و استبداد قانون را نمی توان باز رجوع و ظهور استبداد تقصیر نمود
در مسائل فکری و عقیده فقط باید سلطه قانون را قائل شد و پس والا همچنانکه بدسترس در جلو سپل سپل را نابود نکرده بله بفرقه و فشار آن می افزاید و آفرای بشکل يك طیفان هولناکی در می آورد
فشار بر فکر و عقیده نیز آنها منتهی به انقلاباتی نمیشاید که شاید چندان بحال ایران مفید نبوده باشد
ممکن است بگویند از فکر و عقیده جلوگیری نشده وار نحاشی و هتانی ممانعت بعمل آمده است اما عجالتا در جزئیات وارد نشده ولی معتقدیم که تشخیص فتن از غیر فتن و تمیز عقیده و فکر از تعرض و حيله بهتر این است که بسانون ارجاع شود

و در ستانه از متفکرن و ادبای قلم تقاضا میکنیم که مناقشات داخلی را کنار گذاشته و در این زمینه فلم فرسائی فرموده و بحفظ حیثیات معنی قیام بنمایند

بچه بچه محاله

حضرت مدیر فاضل شفق سرخ
انتفا ذات لطیف و پاک شمارا در هرات قرائت کرده و شما را بیاد کردن این ایوب مهنیت مس توم - ضلنا انتقادی را که در مقاله این کم شام - احد فر موده بودید دوساره خوانده و اجازت می خواهم ، قدری دران خصوص بحث و تدقیق فرمایم

قدمتا این مطلب را اعتراف میکنیم ناخشنودی نسبت بپندرجات جرایم نشیده میشود و در تحت تاثیر زله احسانات بود که ما مدتها دروغ بافتناده اصول جریده نگاری - اخبار ارباب جرایم هم این مسئله می مقبیل نمودند
ما اگر از عالم مطبوعات دفاع می کردیم از برای اینکه ساخت آنها را غریب و نقص مژده
ما از نقطه نظر اصلاح و برای آزادی و برای پاک برای ایران است که بگوئیم که باید آزاد باشند
اما اینکه آزادی هر یک را بکسان بده باد

(فوتن) با رذایل (نمید) قدمداد
فرموده اید - بنا تصدیق باینکه در نظر
نخستین همین تصور برای قایلین می آید
حسارت و زبده عرض می کنم : مقصود من
بیان مقایسه فوق که يك بیان مندی پیش
فوتن و بی اندازد در روی آن حرف
زده شده همان طور که نوشته اید (ژون
ژاک روسو) اساس فلسفه اش در روی
آلست - نبوده و فقط مقایسه بین مذهب
قدیم و مذهب جدید - بمبیاوه دیگر
بین تعالیم آدمیخته پویشنامه عمیق و تعالیم
آدمیخته بطراهم مادینه و سطحی بوده است
فلسفه روسو که عالی ترین مباحثی را
در فجاج مذهب و در رذایل ناسخ از آن
مورد بحث قرار داده و بر اولین کسی
که يك چهار دیوار مذهب (خانه) من -
هك من - شهر من و وطن من (بالا
برده لغت میفرستد) میبختی جداگانه و مکرر از
جلو نظر من گذشته است
ممکن است - روزی بتوسط آن
جریده شریفه - در مبحث مزبور و در
اینکه آیا فلسفه مزبور تا چه اندازه قابل
تصدیق تواند بود - شور و غنچهائی بعمل
آوریم ؟

اما موضوع مقاله بنده به چه وجه
مربوط بموضوع فوق چنانچه تصور فرموده اید
نبوده و بلکه برخلاف تصور شما - در
داخله چهار دیوار مذهب - يك مقایسه است
که تعالیم قدیم و جدید را که هر دو مرتبط
با دو قسم مذهب است - شرح میدهد.

۲ - اینکه فرموده اید من در تزار
نظرات - خود قدری زیاده روی کرده ام
محتاج توضیح مگهی نمی است - آیا
مکتوبات زیاد بکار رفته ؟ یا اعتراضاتی
ببجای کار بسته شده است ؟ در هر دو صورت
بند گرفته و در آئینه اخترا از آن راجحه
هست خواهم ساخت .

۳ - نوشته اید : « در اینصورت ما
نباید فقط این مردمانی را که به مذهب
نزديك شده و فضایل اخلاقی خود را
از دست داده اند - ملاقات نمائیم . بلکه
باید با اصول تمدن بشر لغت کنیم که قلم
بظان بر فضایل اخلاقی بشر کشیده است .»
دین فراز شما جای بسی گفتنی
است - چنانچه در فلسفه روسو نیز جای
بسی سخنوری است - اما چون موضوع
مقاله من بر خلاف اصل مذهب نبوده و
چنانکه توضیح دادم - در داخله چهار دیوار
نمیدن است نه در خارج آن - فلذا خود
را قلم ببحث و استنتاج در آن موضوع
آشنا نساخته - و عرض نمیکم که بالاخره
این تمدن کثیف و نا روا دست پرورده
همین انسانها و مخلوق افکار حرمی و
متجاوز و پرده ر همین (مردمانی است که
بمذهب نزديك شده و فضایل اخلاقی خود

را از دست داده اند - و همین تمدن
تازه هستند که آهسته آهسته قیود
فضایل اخلاقی و عفت انسانیه را
سركشی و فراز از طراجات و اوام
هم گسسته و سپس تمام حقایق تربیه معانی
لازمه و مفید اقرون و توالیه حکمرانی عوام
را با خاکریزه های اوام و خرافات
مخلوط کرده و آنجمله را یکباره باهم
پدربا ریخته اند - نه من هرگز باصل
تمدن حمله نکرده و مثل رسو و پیروان
سو ظنین و بدین و (به سبب) تبستم
بلکه من متأسفانه که چنانچه تعالیم سقرات
ها و حکمای متعاقب و بزرگان یونان و روم
و آن مذهب دامنه داری که بالاخره
تمدن عرب و ادبیات قرون روکنی ها
و سمدیا و حافظ ها را تولید ساخته و
آخرین نمونهای آن تعالیم بمهره دانش ها
و لوطنها و بهلوانا و پیش سسونه و مرشد
صنوف تعلیم و سقا در ایران از
بین رفته و نیز يك شعبه از آن بهمرای
صنجات - سوجه گردان پارسی و بالاخره
اتفاق ششپر شوالیه ها در فرنگستان محو
و منقرض گردید - چنان مذهب روشن و
پر شعله - جان عوام جدی ولی با حقیقت
چرا به عروك فروش بگسسته تا جبر
و صنایع و عروك بازی یكسکه (مود) باز
خود ساز دردم شکند ؟ و چرا حقایق
مربوطه با اخلاق و هواب و حیات جوانمردانه
و لطایف مرتبطه يك حس حسودری
عمیق که قهر و طعنه بین بشر موجود
بوده است بخیر زهرآیند فردی آزادی
طلب و آن اولین درخهم بهرم بشریت
شهد کرد ؟

آیا فقط برای این است که او - آن تراکی
آن هوس - آن عیبانی شده از چیزی
و انتقام نشنده از چیز دیگر برای بشر
اختراع تازه کرده ؟ فقط برای
اینکه او صنعت چاپ را به بشر هدیه داده
؟ قوه بخار را الکتریته را -
تلف و تلف و زپل را بدینا بخشیده
است ؟

در زیر این هوای محیط قبول فرماید اگر
افراد بشری هر کدام روزی دو ساعت کار
آرد مابقی را بهشت و استراحت و تنم
و مهربانی و عشق بگذرانند - تمام بشر
مستفی و مؤانکر و صحیح المزاج و دراز

عمر نتوانند بود ؟
اخلاق پلید و منش های نگویند جمعی
خودخواه و متفنن جنگ را و فریفتن عوام
تعمد را اختراع کرده - جمعی چاپلوس
هم برای فریفتن آن خود خواهان متفنن
شراب و عرق و جبری و افیون و تباکو
و قمار را اختراع نموده - سپس در عصر
تمدن حدیث و در دوره طلایی بشر هم
جمعی طلا دوست و پول پرست - گرد هم
آمده قنوه بخار و الکتریته و اقسام
میکالیک و انواع بمباید شیمیا و دارالطباعه
ها و صناعات را ایجاد کرده و جمعی با فضل
هم برای استفاده از آنها - و تکمیل بیت
حقیقی آنها قواعد و قوانین و رسوم
و اصول و نظامات اجتماعیه و امثال آنها
را بهم ریخته و در نتیجه يك نوع مدینت ساده
و قابل تحمل را يك نوع زلفان بر زحمت
و پرمشقت غیر قابل تحمل بدل ساخته -
و این درد بهمان را برای عالم بشریت
برادر گذاشته اند

ما حالا میل نداریم اقتراض تمدن را
جزء آمال خود قرار دهیم - فایده ندارد
آن هم بکوش هوسرانی متحکی خواهد بود
تقوت آفرام نداریم - زیرا متفنن در بشر
مثل مرض جذام گفته شودارد - ولی در هر
صورت محو شدن نیست پس حالا چنانچه
با تمدن زلفانی کنیم - و حالا که هنوز
پاران سپاه تمدن اروپا ما را با تمام خبیث
نکرده است باید مواظب بوده نگذاریم که
آثار و نشانهای یا چرخ عروس حکمرانی
عوالم و ادوار حکومت قلب و روح
و ازمنه همدردی و شهادت - و جوانمردی
و گذشت - بگذار از بین ما برود ؟

پس ما باید بر آن بشری که مذهب
بیروح و سرود ظالمانه امروزی را ترویج
میشاید - تفرین کرده و اقرار کنیم که هر
تمدنی قلم بظان بر فضایل اخلاقی بشر
لکشیده - و این تمدن مزورانه و تعالیم
دردم ویرم و ظالمانه اروپا است که ما
حس فضایل و مورد مقایسه ما با مذهب های
مشرقی است ؟

۴ - راجع بتاروانی دو ما از فرازه
عرض نمیکم - زیرا مادر اینمورد سلفقه
تابع تعمیرات فکریه است - تاروانی چندان
عجب نیست اما روانی عجب است
۵ - راجع بعیارت : هکمی جزوه کو
و من ... که بنظر غریب آمده است -
شاید بنظر اکثریت مردم غریب نباید ولی
در نظر يك فویسند جوان چندان غرایب
نخواهد داشت - زیرا (جو) يك نفر
ادب و شاعر بزرگی بوده و سرجه پادشاهی
شعرا و نقاشان و موسیقی دانان بزرگ و
ارباب صنایع مستظرفه تابع ارتقا و انحطاط
محبوب بوده و باصلاح چندان (قضا و قدری)

هم قیست - ولی معذک محال هم نخواهد
بود - بعلاوه (فتیز در گردن) هم یکی از
روایای خیلی معمول است - حالا هکمی
نمایشم (زولا) که لا اقل خواهیم بود -
چون شائلی هستم آخر سر نه هکمیون
صایرم ...
۶ راجع بنوشتن کتابی چون میز اول
هم بر خجالت و زباده اصرار نفرمائید -
اگر بود بابا باشد لابد وقتی عرصه خواهد
شد ... مثلی است معروف (جوجه را بر
پاگیر می شمارند) باید منتظر پاگیر و زورگان
بود - مهران شاعر مرگ اوست - من
من این حققت را دریکی از مجموعه معانی
که تالیف کرده ام بتفصیل نوشته ام - ولی
میراث من آن نیست .

اما موضوع اخیر : کنایه من موشوعی
جداگانه است که بعدا عرض خواهم شد
(کتمان)

ما نظریات مبسوطی در موضوع نکارش
فوق داریم که در این شماره بملاحظه افراط
نکردن در يك موضوع مخصوص و خسته
کردن خوانندگان از ابراز آن صرف نظر
کرده و بشماره آئینه و کول میمائیم .

اقتضای امر

برداشت وجه
بقراری که اطلاع رسیده است مبلغ
يك مليون دلار بوسه مساعدت از روز گذشته
مبلغ تائید کرده است .
برای تقسیم وجه
عصر روز گذشته در حضور آتشی
مدیر المالك کنیل وزارت مالیه کمپونی
بمعنویت حاج عزالمالك مدیرکل و آقای
فرزین رئیس محاسبات و یکی دو نفر از
رئیسای دیگر در هیئت وزراء مشغول گردید
و مشغول تبادل نظر راجع بتقسیم وجه بوده
که صورتی نهی شود
حقوق معوقه ادارات
بطوریکه در نظر گرفته شده تعلیماتی
برای پرداخت حقوق معوقه وزارتخانهها
و ادارات از طرف اولیای امور صادر شده
که تا قبل حمل میلی که از این باب
تخصیص یافته پرداخته شود و از روز
نه شنبه شروع بتادیه خواهد شد که در
وجه آنها بتوبه و تسهیل از باب چند
عاهی بیردانند .

عبور از بغداد
اطلاعات رسمی شهر است وزیر مختار
جدید دولت جمهوری امریکا مامور دربار
ناکلی میبرد هر قدر هم جانم رو بفری برود
هر قدر هم زرمها تپیر نساید و هر قدر هم
سیستم های حیات اجتماعی اصلاح شود - برود به
فرانسه - پاکستان با مهربان صحبت کند به بشند
عده ناراضی های آن جا و شما افراد بد بخت آن
نواحی بیشتر است یا سحرای سوران عربستان یا
جنگلهای کنکور استرالی ؟
آیا شنیده اید در بیان عربهای بادیه ؟ در میان
طوائف افکنو محبسی باستحکم محبس طهران موجود
باشد - کتب محبسی باستیصال خیلی مستحکم ترورهای
قرار دشوار تر از محاسب ایران بوده است
گذا این وزارتخانه ها این نامیسات اداری
این دیوانخانه های عدالت برای چه تشکیل یافته است
آیا آن زندانهای مستحکم - این چوبه های
جستجو دار - این سلسله های خدن نام برای

ایران بوقداد ورود و بجزم ایران حرکت
نموده اند و از طرف وزارت خارجه تعلیمات
مقتضیه جهت پذیرائی ایشان صادر گرد
و همافدار روز سه شنبه حرکت خواهد کرد
مصدور حواله بکیرک
از طرف ریاست وزراء عظام وزارت مالیه
کتبا امر شده نظر بانکه مبلغ متناهی
حقوق حکومتی و قرضوران و نظایر عریست
مفوق مانده قرضن شود اداره مرالیه
ده هزار تومان برای پرداخت اقساط قرض
مالیه شوشن بیردانند .

تعمه اوراق درخواست
از وزارت مالیه متحد الاالی تمام وزارت معانی
خانها صادر شده که چون وزارت مالیه این
است از ابتدای سند آتیه بدین درخواست خارج
و جعل نماید فلذا بیکده اوراق درخواست است
منفد برای يك از وزیرانخانه فرستاده
شده که مقرر شود محاسبات وزارتخانههای
کلیه و جوابیک در حد خود بودجه اسلام
میتواند دروقفه های درخواست نور خارج
و ارسال سازید

اخبار روز

۱۰ و ۱۱ مارس
فول
لندن - دوفتر صاحب انجمن افکار
در (دوبین) بشرب کولبه
شده اند .
قاهره - نمایش دهنده کان برام يك
نظمیه (طلفه) آنجا را سکه
کرده و پلیس هم بر آنها شلیک کرده - باید
تهیجه ۳ نفر مقتول و ۲۵ نفر مجروح
شده .
يك قیوم دیگر
موافق اطلاع واصله از ازمیر
میروند ژنرال (پاپیلس) مانند
نتریو (و ازمیر (فوم) ثانی کرد
نهی جنک
رم - مطابق خبر واصله از اسان
فهماین یولان و عثمانی در آبهای حلیه
کمال جدیت مشغول نهی موجبات مکان يك
نظامی میباشد و ظاهراً طریق قصد (لا)
عملیات جنئی را تجدید نمایند - صلاح
اشتباه عثمانی در ناحیه (تر بعد از
نگذاشته اند قواء و مهمات یونان
اومیر خود .
قصد استعفاء سلطان
دوفتر اطلاع حاصل کرده
سلطان حسین حجاز تمهید باستعفا
و جهتی این است که در زمان

آیا این قوانین موضوعه - این پارلمانها و
این جمهوریتها را برای چه ایجاد کرده اند ؟
آیا شنیده اید اقوام وحشی آفریقا کیوتیز
باشند - آیا شنیده اید سائین جنگلیه
پارلمانها با صدها سائین جنگلیه باشند - آیا
شنیده اید این کلاهها در سه هزار سال قبل
باستیل داشته اند این رب
همه اینها برای جلو بوری از میانه
همه اینها برای اصلاح شرور مذهب بشر است
اینها يك دسته و سائل معنوی است که
راقیه ایجاب نموده است - برود بر کوه
نارسی و گردستان کردنی کند اعتراف نماید
محتاج این تربیسات متحک نیست برای
تمدن در زیر آسمان قشنگ آنها وجود
تمدن عیش و تنم ایجاد رد - تمدن
قشنگ و پارک های زیبا بنا نمود - تمدن
رو اطعمه لذیذه نهی کرد - تمدن سر

فکر و خیال در محبس هم آزاد
است ولی طبع و تخته عیوس و
تشنج است . . . باد داشت های
فول عین آن روی های نامطهری
است که با نیر بهای محوره
مشوم زندان مزور شده و شایه
برای روز های عادی خیلی نا
مووار و عجیب بوده باشد

خاطر میگزیرانم عقیده رسور تقدیس نموده و بر تمدن
- همین تمدنی که نوع جنایتکار بشر افرا سرمایه
اختیار خود قرار داده و اساس امپاز خود بر سایر
موجود است مبداند - لغت میزنم
راستی تمدن چیست ؟ یا غیر از محتوای بدبختی
در دنیا نتیجه دارد ؟
تمدن یعنی همان قوانین - همان رسوم و اداب
- همان علوم - همان صنایع و همان تربیاتی که
بشر بر خلاف سایر امناف حیوانات - برای نجات
شد - ران دور محاسبات خود - اتخاذ کرده است
جز بدبختی چه نتیجه داده است ؟
تمدن و تمام آن مفاهیم و تربیاتی که دوزیر
این کلمه منسج است وسیله سعادت و

ناکلی میبرد هر قدر هم جانم رو بفری برود
هر قدر هم زرمها تپیر نساید و هر قدر هم
سیستم های حیات اجتماعی اصلاح شود - برود به
فرانسه - پاکستان با مهربان صحبت کند به بشند
عده ناراضی های آن جا و شما افراد بد بخت آن
نواحی بیشتر است یا سحرای سوران عربستان یا
جنگلهای کنکور استرالی ؟
آیا شنیده اید در بیان عربهای بادیه ؟ در میان
طوائف افکنو محبسی باستحکم محبس طهران موجود
باشد - کتب محبسی باستیصال خیلی مستحکم ترورهای
قرار دشوار تر از محاسب ایران بوده است
گذا این وزارتخانه ها این نامیسات اداری
این دیوانخانه های عدالت برای چه تشکیل یافته است
آیا آن زندانهای مستحکم - این چوبه های
جستجو دار - این سلسله های خدن نام برای

ناکلی میبرد هر قدر هم جانم رو بفری برود
هر قدر هم زرمها تپیر نساید و هر قدر هم
سیستم های حیات اجتماعی اصلاح شود - برود به
فرانسه - پاکستان با مهربان صحبت کند به بشند
عده ناراضی های آن جا و شما افراد بد بخت آن
نواحی بیشتر است یا سحرای سوران عربستان یا
جنگلهای کنکور استرالی ؟
آیا شنیده اید در بیان عربهای بادیه ؟ در میان
طوائف افکنو محبسی باستحکم محبس طهران موجود
باشد - کتب محبسی باستیصال خیلی مستحکم ترورهای
قرار دشوار تر از محاسب ایران بوده است
گذا این وزارتخانه ها این نامیسات اداری
این دیوانخانه های عدالت برای چه تشکیل یافته است
آیا آن زندانهای مستحکم - این چوبه های
جستجو دار - این سلسله های خدن نام برای

حکومت باغ بیت (سیاسی) از راهی
گرفته شده و مالیات اخذ می‌گردد و
مدیر مزبور در آن وقت بمالفت کرده و
بمالیات مزبور مالی کرده است
رسمال خوش مجدداً وضع نموده است
اینکه سکنی مالیاتها در احوال بیجانی
رستای و بالاخره منجر بمصادماتی گشته
شده و نیز هم در نتیجه مقتول و مجروح
شده و
روید هیئت اعزامیه
در ۴ - اولین هیئت اعزامیه سیاسی
بشان تحت ریاست سردار عبدالهادی
وزیر عارفی یا مدلول مصرحه در عهد نامه
ایمن لندن آوریده و نماینده کان وزارت
خواج خارجه بمجمع مهمان قوازی دولتی
خواج استقبال نموده و مهمان دولت خواهند
فرستاده و برای سفارت معین گردد
تحت نمایان دولتی ملی روسی عثمانی
چشم اسلامبول - مارشال عزت پاشا وزیر
ت نو خارجه عثمانی برای اظهار دعای
ت متبوعه خود در شهر عزیمت بجانب
میباشند نماینده دولتی ملی و روسی
در هر دو میل دارند نظریات خود را
از تشکیل جلسه وزراء امور خارجه
تصانیه و بنظر هم چنین می‌آید
که کان روسی و حتی ملی در حرج و
بافکار بل تمهید نامه ملی راجع به
تتراضی حاضر کرده و شاید در باب
کردن یک سرحدی نیز که موافق
ت طرفین باشد موافق بوده باشند
تانی ملی و روسیه و عثمانی را
ت بر آن یک هیئت اعزامیه دیگری بنهایت
تک با خبر کرده زیرا امیدوار بوده که از
کرده بل بجایی هم اختیار نمایندگی بانها
مقرر خواهند شد

خارج شده و یک دولت موقتی که محل
آن در قصر است تشکیل گردیده
بپایه دولت موقتی
رم - خبر بعد - کمیته دفاع ملی
قبوم - امر صادر کرده اشعار میدارد
که از اول طایع آفتاب تا بعد از ظهر جنگ شدیدی
جریان داشت
و بالاخره کمیته دولت موقتی و مجلس روس
متصل گردیده و کمیته موقتاً زمام امور را
دارند (حقیقتاً نظام را به کار می‌نیر)
ها و قوای سلطنتی را بگذار نموده و از
دولت ایتالی هم تقاضا کرده است بکفر
نمایند همین کمیته تا حکومتی تشکیل دهد
و باعث استقرار نظم و امنیت شود
کار ملی هم تشکیل کرده است
نظم میادلات در لندن
میزان مسکوکات در تاریخ هم مارس
بر حسب مظهر لیه از قرار ذیل بوده است
فرانک ۴۸۰۵۲
ایره ایتالی ۸۷۰۷۵
مارک ۱۰۹۷۰ -
دولار ۴۳۱۲۲

انجمن ایرانی بی سیم مسکو

انقره و یوفان
مجلس ملی انقرو مجدداً منطقی کمال
پاشا را بسمت ریاست مجلس انتخاب
نمود
تعدادات جنگی در انقرو بحدت حوام
دارد - جرائد عثمانی اطلاع میدهند که
بین مستحبات مختلف قشونه یونان زرد
خوردی رویده است - درین قشون
یونان مقیم از هر ناظره شورش مشتعل
گشت
تقاضات در ژن
اطلاعات واصله حاکی است که
ناشپست در ژن مرتباً اقتصاد شانی گشته
و اداره روز نامه سوسالتری را اغراض
کردند - کار گران شهر ژن برای ابراز
بیروست چهار ساعت اعتصاب نمودند
گفترانی ژن
راجع بگفترانی ژن اطلاعات صحیح
بدست نیامده و اخیراً مخبر پاریس جریده
نایمسن تکراراً اطلاع میدهد که احتمال
دارد افتتاح گفترانی محل را بعموم
افتقد - دولت ایتالیا موافقت خود را
با افتتاح گفترانی در دم ماه آوریل
اطلاع داده
موقعیت لرود جرج
مقامات فرانسه اظهار میدارد که

موقعیت لرود جرج مستحکم گشته زیرا
اعضای حزب اوکوبو نیست در روبرو خرد
تغییراتی داده ونست رئیس الوزرا کاملاً
ابراز مساعدت میکنند
عثمانی ولستان
جرائد اسلامبول اطلاع میدهند که
مناسبات عثمانی و لهستان شروع گشته و
انتظار میرود که نماینده لهستان به انقرو
وارد گردد
حکومت فرانسه بدوات انقرو پیشنهاد
کرده است که مابین انقرو و اروپا رابطه
هوایی باطیاره برقرار گردد
اغتاشات در بلغاست
اطلاعات واصله از بلغاست حاکی است
پس از آنکه در موقع فوتیال روسی در
میان جمعیت افکندند اغتاشات مجدداً
شروع شد و تا روز بعد امتداد داشت بلکه
انقرو خبر شعر است که در روز مزبور
بقدری فتنه در شهر صرف شد که از بدو
بنای شهر تا سکون این اندازه شلک نشده
بود
اظهارات نویسنده فرانسه
در مجلس شورای ملی بافتخار نویسنده
معروف فرانسه آنتونل فرانس داده شد
مشار الیه تلقی بلخی ایراد کرده و روح
جنگی که امروزه در فرانسه کاپیتانستی
حکومتهاست مورد حلات تنقید آفرینی
شدیدی قرار داد در ضمن تلقی مردم را
بایجاد یک اروپای جدیدی دعوت نموده
متذکر شد که امروزه دهشتناکترین قضایا
همان روح جنگی است که پس از خاتمه
جنگ بین المللی در مملکت فرانسه رواج
یافته است و دولت باوجود ضعف قوتی
باز سیاست تعدیات و اجبار را تعقیب
میکنند بر سرانجام عناصر دور اندیشی بر
علیه این وضعت شدیداً پروست میکنند
حالا دولت فرانسه خشم و عداوت خود را
بجانب روسیه معطوف داشته و میخواهد
متفقین را باعرض نیروی نظامی برای خود
تذخیر کند
بازار ملاره اسپنیک
بازار ملاره اسپنیک در ششم مارس
افتتاح یافت و در روز اول عده جمعیت
بازار به صد هزار نفر بالغ گردیده تقریباً
سی هزار تجارتخانه شعبات خود را در
این بازار دائر کرده اند در بازار مزبور
به مسئله تجدید روابط تجارتی با روسیه
مورد توجه واقع گشته و از شعبه نمایندگی
تجارتی روسیه سامنی متصل - راجع
بوسایل عملی تجدید مناسبات تجارتی با
روسیه سوالات میشود اغلب تجارتخانهها
دایل هستند که بنام بانک آنها اجازه
ورود بروسیه داده شود هیئت مدیره بازار
ملاره بشرکت در نمایش صنایع آلمان که

عقرب در روسیه تشکیل خواهد شد
علاقه مند میباشند در جنباتی که بنام مطبوعات
داده شد هیئت مدیره متذکر گشت که آنجا
ترقی صناعت آلمان منوط باستقرار و
روابط مناسبات بین المللی است
مطبوعات ایران
ایران شماره ۱۰۹۴
امته وطن
احتیاج ما در اختراع است تمدن و کاپه
مظاهر ترقی امروزه در نتیجه احتیاجات
پیش آمده است - در نتیجه جنگ بین
المللی که صادرات ایران بمنظور درجه نازل
کرده و از طرف دیگر واردات چندین
نقصانی پذیرفته عیدم تعادل مدعشی که
تقریباً هشتاد هزاره شود میان صادرات و
واردات موجود گشته یعنی در ازاه امته
خارج هشتاد هزار پول نقد از ایران
بیرون میرود بدینیه است این حالت
ما را بمرک و فنا انداز مینماید و چاره آن
اول اقدامات دولت در افتتاح باب تجارت
روسیه و دوم بر مردم لازم است گشتی -
الامکان المیه وطنی را استعمال نمایند
این بدور مقاله ایران و عقیده ما
یک نظریه خیلی خوبی نهایت ما مایوس
هستیم از اینکه مردم از استعمال امته
خارج صرف نظر کنند و امته داخلی هم
بطور ختم وانی با احتیاجات اهالی نیست و
علی ترین فکرها در این موضوع همان
افتتاح باب روسیه و اگر ممکن باشند مناسبات
بعنی از کارخانههای که بازه از حواش
اولیامار جبران نماید و اگر حقیقتاً ما
بخواییم مردم را با استعمال مصنوعات وطنی
تشویق کنیم باید تخت طبقه متنازه
یعنی عناصر متعینه جامعه باین کار اقدام
نمایند

عشق و هنر

راجع به درجات ایران
بعد از این توشیحی که در شماره ۱۳
شوق سرخ راجع بانقلاب جریده شرقی ایران
دادیم تصور نمیکردیم تا ناها باین میهن خود
کنند
در حقیقت اکنون هر عود نکرده اند و
مطالب سابق را تکرار فرموده اند و فقط
مطلبی که قابل توجه و تحسین بود این
بود که نویسنده محترم اعتراف فرموده
بودند که قلب نامرکز احساس و نه هم
مرکز عشق است و توضیح داده بودند که
فقط برای سهولت تعبیر و موافقت باصلاح
قلب را مرکز احساسات و عواطف فکری
نموده بودند

اما در موضوع تکرار انتقاد ما بنماجرایم
مطالب سابق را بطور واضحتری که مورت
تکرار مدعا نشود باز بنویسیم
اولاً چنانکه گفتیم غالب عقاید و افکار
از روی منطق و استدلال تولید نمیشود
بلکه بعد از پیدایش فکر و عقیده شخصی
برای آن منطق و دلائل درست میکنند و الا
این همه اختلافات در عقاید و آراء علمی
رخ نمیداد زیرا صاحبان آراء مختلفه همه
عقاید و آراء خود را بمنطق و دلائل اسناد
میدهند و نمیشود گفت - یکی از اینها
مخالله میکند زیرا مخالفه با اندک تأمل
و امان نظر در دلائل صحیح طرف مقابل
آشکار میشود
و نمیشود گفت منطق و برهان ممکن
است مختلف حد نماید
پس علت همان است که بعضی از علمای
علم ارواح گفته که عقاید و افکار تابع
منطق نیست بلکه پیوسته انسان برای عقاید
و افکار خود اقامه برهان مینماید
این نظریه که در کلیه عقاید و افکار صادق
میشود در عشق و احساسات مختلفه قبل فکر و
مراجعه بمنطق ایجاد میشود و سایر عقاید
بعد از مراجعه بفکر و استدلال
در صورتیکه دقیق ترین مباحث بسکولوزی
ثابت نموده است که فکر و استدلال حرکت
ثانی نفس یا عبارتی اختری افعال ثانوی
دماغ میباشد
و بنابراین میبخت عشق هم مانند سایر
تاثرات دماغیه قبل از فکر و استدلال
تولید میشود نهایت در این موضوع باید
تصور و تعبیر کاملاً تری را حائز است
تا ناها محلی است نویسنده نامل ایران
معتمد باین نظریه نباشند از اینرو ما هم
این موضوع را بیش از این بسط ننموده
و مبدعه فکری ایشان قبول مینماییم یعنی
میگوئیم عقاید و آراء بعد از فکر طولانی
تولید نمیشود و عشق قبل از تفکر و
تعمق
در اینصورت هم آبانصديق میفرماید
که این عشقی که قبل از تفکر تولید شده
است بعد از تأمل منطق و استدلال با آرا
فقط و با صحیح بداند و در صورت اول
یعنی در صورت تطابق منطق با میل
نام آرا عشق یا منطق و دومی را یک
عشق معجزانه و بی منطق نام بگذاریم
و اینکه گفته این یک اصطلاحی است که
ما میخوانیم وضع تفاهیم اگر بالمعنی
حالت روحیه اشخاص و با تمایلات خودشان
تیر مراجعه کنند می بینند این مسئله با یک
شود فوق العاده جریان دارد
مثلاً فلان عاشق میگوید - من هر چه
نکر میکنم نمیتوانم چرا او را دوست بدارم
دلخواه نیست و وفادار نیست - و جاحات و

و شک مال همه نیست همه اجازه نداده اند که سعادت مند
باشد نعم و خوشی را قسمت همه نکرده اند
قسمت اعظم بشر را باس و تا امیدو تشکیل
میدهد - اگر بگوید مدد را کنار بگذارید می بینید
سایر افراد بشر در میان اقیانوس بیکران رنج و الم
افتاده و برضه امواج سوزان حسرت و ناگهی دست
و پا میزنند
تمدن قسمتی اعظم بشر را بدست نموده تا یک
دسته را خوشبخت و سعادت مند نماید
تمدن یک پرده امرا را میزبان است که برای یک
دسته معدودی نور و برای هیئت جامعه انسانی آتش
سوزان وسایع هر گز است
تمدن برای بشریت چه کرده است ؟
فقط با قه تا ناک سعادت را در طلمات نزارده

و شک مال همه نیست همه اجازه نداده اند که سعادت مند
باشد نعم و خوشی را قسمت همه نکرده اند
قسمت اعظم بشر را باس و تا امیدو تشکیل
میدهد - اگر بگوید مدد را کنار بگذارید می بینید
سایر افراد بشر در میان اقیانوس بیکران رنج و الم
افتاده و برضه امواج سوزان حسرت و ناگهی دست
و پا میزنند
تمدن قسمتی اعظم بشر را بدست نموده تا یک
دسته را خوشبخت و سعادت مند نماید
تمدن یک پرده امرا را میزبان است که برای یک
دسته معدودی نور و برای هیئت جامعه انسانی آتش
سوزان وسایع هر گز است
تمدن برای بشریت چه کرده است ؟
فقط با قه تا ناک سعادت را در طلمات نزارده

و شک مال همه نیست همه اجازه نداده اند که سعادت مند
باشد نعم و خوشی را قسمت همه نکرده اند
قسمت اعظم بشر را باس و تا امیدو تشکیل
میدهد - اگر بگوید مدد را کنار بگذارید می بینید
سایر افراد بشر در میان اقیانوس بیکران رنج و الم
افتاده و برضه امواج سوزان حسرت و ناگهی دست
و پا میزنند
تمدن قسمتی اعظم بشر را بدست نموده تا یک
دسته را خوشبخت و سعادت مند نماید
تمدن یک پرده امرا را میزبان است که برای یک
دسته معدودی نور و برای هیئت جامعه انسانی آتش
سوزان وسایع هر گز است
تمدن برای بشریت چه کرده است ؟
فقط با قه تا ناک سعادت را در طلمات نزارده

و شک مال همه نیست همه اجازه نداده اند که سعادت مند
باشد نعم و خوشی را قسمت همه نکرده اند
قسمت اعظم بشر را باس و تا امیدو تشکیل
میدهد - اگر بگوید مدد را کنار بگذارید می بینید
سایر افراد بشر در میان اقیانوس بیکران رنج و الم
افتاده و برضه امواج سوزان حسرت و ناگهی دست
و پا میزنند
تمدن قسمتی اعظم بشر را بدست نموده تا یک
دسته را خوشبخت و سعادت مند نماید
تمدن یک پرده امرا را میزبان است که برای یک
دسته معدودی نور و برای هیئت جامعه انسانی آتش
سوزان وسایع هر گز است
تمدن برای بشریت چه کرده است ؟
فقط با قه تا ناک سعادت را در طلمات نزارده

چهره ناز

از آثار حضرت دهخدا

بنیة مجمع الامثال دلو
سگی را کز کارگی بر سر آید . بنین میکند
بچه های مسلمان دارند از مکتب خافه بر میگردد

خدا میان کبدم خط گذاشته است یعنی قصفت مال
نازوا و نشفت هم مال مباشرین عمل باخواخافه

چون پیر شد آشیخ از مدرسه بیرون رو .
امید وجوه اندد در عهد شباب ازلی

هر که تنها بقاشی رفت البته قاشی باو خواهد
گفت دست من نه جیب بپوش بپوش جیبی داری !

در خانه ات را بپوش تا کذا قیاید فان بخواد
تنبیل برو بسایه نگرانات لازمه به مواقع لازمه
برای اقدامات لازمه بعمل میاید

هر که نان از عدل خویش خوره * باید برای
بدر های پلای های محل یاسین مجانی بخواند که
هر جا غرامت زود بازو غیر کند

خرج که از کبسه ادائی قرض باشد حاتم طائی
شدن اگر نسبت بدیگران آسان نباشد نسبت بپیرادر
و قوم و خویشان که آسان است

خواهی نشوی رسوا . توهم سرد را بپندار زاین
و در فکر مداخل باش

چادر چشم است مگر حیای زلیخا و عروس
قاسم تعزیه که در توی صندوقچه خانه شان است

هر که با من پیش البته سپرد البته پیشتر آه لازم دارده

آنجی در آینه جوان بیند . پیر باید دم آفتاب
برود عینک بگذارد تازه زوؤ کی یک کمی بپند

همچ گران بی حکمت نیست مگر گریه خانه های طهران
یکی نان فداشت بخورد . میرفت در حجره صاحبی ها
قدائی . و حاجی مکتب * پیریه در ساخته ماوشاق

سال پوتون کی سرته

اول بنا نبود که جودار نان کنند آتش بجان
ازوق شامی نقد کین بنا نهاد

مستمع صاحب سخن را بر سر کار آورد . یعنی
اگر آتای روضه خوان گفت معجزا از سر ...
کشیدند گوشواره را از گوش ... در آورده

تو باشی و تکوئی : آخر لافذهب اینها عصمت
بپیمبر ما هستند این ها اهل آن خانواده هستند که
آیه ظهور در باره شان نازل شده . آخرین دین با
دک و پوز راضی نمی شوی پشنوی که گوشه نقاب
عبادت را یاد بالا زده و چشم هم کارت باو خورده
است چطور راضی میشوی که در میان ده هزار خلایق
بروز خانواده طهارت این طور می آرد ؟

اگر این ها را گفتی او دیگر خبر نمی شود
کبرای بر مردن مجلس و برای اینکه حساسی احسب
بگوید که آتای پدر خان خوب شور می اندازد ما هم
وعد اشی میگیریم * پشت سر این میگویند فزنی
در مجلسی بزیب جیشش افتاد به ... و گفت

چه مردی بود کز ذلی کم بود کز بکوه
بیک از خاشه بکم بدتر بزرگ میکند

خری گز خری وا بماند . اما در بعضی
نماینده است برای این که اگر این یکی بولاله
داده ده خرید . پارک ساخت و میل وارده اگر
یکی پراوانی را گذاشته توی یک * جاش این
تغییرش نقد هم آدم توی ذهن این قدیدیدید
این عهد و زمانه نمی افتد

از ده ویران که ستاند خراج ؟ این یکی
مهمل است .

خوب معلوم است فراشی باشی یا امین
من پرد نصفت را خودش بر میدارد . لغت
هم میدهد به خاک حاکم هم بر میدارد بخانه
این طور میبوسد * چون رعایت
زده حدان و بوجورد و
در این سال امف اشتغال قریقه ذمه او ایچای
... الخ

اتحاد شماره (۱۲۹)

مناجات را فراموش کرده است پدر دیوار
باسمان و زمین بچایه و افراد مجلس و
عدلیه بچراغ و کلبه مردم تعرض نموده
است

ایا ایشان که اینقدر با اصول فزاکت
و مراعات قوانین اخلاقی خود را علاوه
مند نشان میدهند میتوانند بفرمایند بچه
دلیل مدیران چراغ که موتی ترین اخلاق
اجتماعی محسوب میشوند اینطور برستی
یاد کرده اند

ما تصدیق میکنیم مدیران چراغ اگر
بمحظ شتون خود علاوه مند بودند بشما
اجازه نمیدادند اینطور خارج از رویه
بانها تعرضی نمایند ولی خود ایشان که
مانند یک پرسور اخلاقی اظهار علاقه
مندی عبارت نمیشاید چگونه بقول مطلق
بآرباب چراغ حمله میکنند

ایا ای که یقین فرموده . فاضل - از
ایشان بخواهند جمله محیط احسب است
را معنی و تفسیر نمایند چه جواب خواهند داد
ما از مدیر محترم اتحاد تعجب میکنیم
که چرا اینقسم تگاره های بدون خلق را در
صفحات و قیمتت سربیده خود آنگاه متعجب
مقاله هائی که بمطالبات تاریخی واجتماعی
حامل است به پدید آورده

اثی الفاظ

در اینجا مقصود ما آنکه نظم و اثر ثبت و از کله شعر روح شعری را که افکاس
(احساسی جمال) است مقصود داریم .

برای نمونه حسن الفاظ چهار شعر از عصری ذکر میشود و فکر آن را از
حله الفاظ زیبا عاری کرده و تجزیه بنماییم :

می فرو گدلا رشته حای در همین
ز بساد پاک شکم پر ستاره دارد طین
بابل و لک برده اندرون شده است زمین
زمین تیره کند تیر عرض لشکر چین

ایر ماه فرودین رشته های در قهمتی باز میزند
ایر از آب یک زبان در پر قطره ساخته و خاکش را با پاکشام را بر قطره نموده است
هوای لاس سپاه وزین لباس سرخ پوشیده اند
آبر هوای روشن ایاس سپاه پوشیده . زمین تیره لباس رنگ به رنگ در بر
کرده است .

اگر چه بطوری که لازم است کلمات عصری تغییر یافته لیکن از مقایسه آن نظم
و این شعر اثر بزرگ لفظ واضح میگردد .

چرا (بخار دریا) بهتر از (ایر) است ؟
چرا (فرو سلا) بهتر مطلب را میرساند (می برد یا باز میکند) ؟
چرا (ستاره) بهتر از (قطره) است ؟
چرا کله * زبان . در معراج اول شعر دوم این شعر مؤثر و لذیذ است

اشعار ادبی

تا با ما با اعتراض نویسنده محترم
مهرای کرده و از مدعیات خود تزلزل
من نمائیم ایا تمام صفات و قیودی که در
اتناء محوره استعمال میشود باید احترازی
باشد و ایا قیود ثابته و توصیفی در
هائ ادب افلا نیست

ایا ؟ انتاب روشن ؟ ... مهر منیر
حیوان جنبند چنهای سبز قام و هزار
ها تعبیرانی از این قیول که حتی ممکن
است در هر یک از مقالات خود نویسنده
هم نشان داد که صفت ثابته معنی مستفاد
از موصوف را بنمایند نشان بدهم - هه
انها غلط است

ایه کریمه ولا طاهر طیر چنانچه که
سرمشق بلاغت و فصاحت غلط است ؟
مسلم که نائل محترم با من تصدیق می
کنند که اولاً در عشق من ممکن است قیود
بی منطق یا با منطق احترازی باشد یعنی
هر دو گونه عشق موجود است انهم از تنطه
نظر مطابق منطق بعد از توبیه عشق و عدم
تطابق آن

و ثانیاً مگر من این را قبول نمی
آورایند اقلاً افراد کنند که او را اوصاف

بهر از وسط دو مصراع آخر است
... همچنین بنیة نظرات ها ...

تمام اینها دقایقی است که فقط شاعر آنها را احساس میکند و علایق
و بلاغت و بدیع که در همین این محضات رنج برده هزار یک آن را نتوانست
بیان کند زیرا که راجع است احساسی نه تبیل و مربوط است بقوق نه به تحسین
اشعار فوق برای نمونه ذکر شد و البته در میان اشعار اساتید عجم و صفای (جواهر)
عرب اشعاری پیدا میشود که بهتر از این اشعار مقصود مرا بر جسته میکنند .

از این مقدمه اهمیت لفظ واضح و معلوم شد اکنون سؤال میکنم
آیا اشعاری که نظم ساخته و رعایت لفظ را نمی کنند و توجه خود را از
بروراندن و نظم ساختن یک مطلب علمی میزدول میدارند . آن ها را شاعری
توان گفت ؟

اشعاری که از اساتید مانده است دارای چه جنبه هستند که اینقدر مطلوب
ورق بوده و در هر دور از مبانیه است و بلند های روزگار و تشنجات اجتماعی و
خود را خلاص داده و بیا رسیده اند ؟

آیا اشعاری که در دنیا موسومند باشعار (پایدار) و * فراموش نشدنی و مشرق
دائمی * چه نوع اشعاری هستند و برای اینکه شعر شعنی و خود شخص در وطن
باشد چه قسم شعر باید بگوید ؟

از مبانیه تمام اشعار دقایقی چرا و مدودی باقی مانده است که مشهور ترین انقلاب
ها قلمه :

در افکند ای صدم ایر بهشتی
وین را خلعت آزدی بهشتی که میباید
در این قلمه چه حسنی هست که از مطالعه و استماع آن روح مجذوب و با
مسرور میگردد ؟

بپاری از شعراء صف بهار را کرده اند چرا کثر شعری بخوبی این
در دست است ؟

آیا توانی : بهشتی کشتی سرشتی ... قی نصفا زیبا هستند ؟
آیا مصراع : بیک ابو نگردد جز بکشتی) غیر از طراوت صوری و
مطلب علمی و فلسفی دربر دارد ؟

آیا در شعر بطم نوشی کشته چشمه آب
برکاد دیده آهوی دشتی ؟ چه فلسفه منطوق
آیا جز لطافت الفاظ چیزی در آن ملحوظ شده است ؟

جامه هائی که برای زیست مشغوف خیال بریده میشود مواد اولیه آنها الفاظ
باید دست ماهر آن ها را چنان بیکدیگر بدوزد که قامت رعشای فکر از زیر
بخوبی برجستگی و نمایان خود را نمایش دهد

اگر خیال بی مهارتی از بهترین پارچه ها جامه برای خوش اندام ترین مشرق
بدوزد فراخی پیش سپه و تنگی کربان درازی دامن و * و تاهای آستین نه تنها
را خراب و شایع ساخته است بلکه طراوت اندام خیزد از آن نیز در زیر برش
نمایند و بی تناسب خود از نظرها مستور میدارد

شاعری با خیالی شباهت کامل دارد و اظهار لطایف و دقایق یک فکر بستاید
خوبی جوش و حفظ تناسب الفاظی است که بر فکر پوشیده میشود
پس در شعر بعد از یافتن فکر و تشخیص ؟ اثرات خیال ؟ و دویز لازم این
یابی یافتن پارچه زیبا یکی بریدن و دوختن آن به تناسب اندام خیال ...
راحت یافتن ؟ طبیعی و پایدار ؟ که در هر زمان جوانی و قوتشان باقی و جز
لایتنک روزگار و فوق انسانی شمرده میشوند و هیچگاه کهنه و متدرس نشده بقول
فردوسی : که از یاد و باران نباید گزند ؟ در آینده مقالاتی در ج خواهد شد
برای تکمیل سطور فوق و تأیید آخر لفظ مفید و لازم هستند .

رشید یاسمی